

پرسش ۸۷: علت ولادت علی در کعبه.

سؤال / ۸۷: هل هناك سبب لولادة علي (عليه السلام) في الكعبة؟

آیا برای ولادت علی (علیه السلام) در کعبه، دلیلی وجود دارد؟

الجواب: الكعبة أو بيت الله الحرام إنما هو تجلي وظهور للبيت المعمور الذي وضع في السماء لتطوف عليه الملائكة، وتستغفر عن مجادلتها لله سبحانه وتعالى في أمر خليفته آدم (عليه السلام). ولما تعدّى آدم (عليه السلام) على شجرة علم آل محمد (عليهم السلام) وشجرة الولاية (وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْماً)¹، أي على تحمّل الولاية لآل محمد (عليهم السلام)²، أنزل إلى الأرض وأمر بالطواف حول الكعبة ليغفر الله له تقصيره.

پاسخ: کعبه یا بیت الله الحرام در واقع، تجلی و ظهور بیت المعمور است که در آسمان قرار داده شد تا فرشتگان گرد آن طواف کنند و به جهت اعتراض و جدالی که برای فرمان جانشین خداوند -آدم- با خداوند سبحان و متعال داشتند، درخواست آمرزش نمایند. هنگامی که آدم (علیه السلام) به درخت علم آل محمد (علیهم السلام) و درخت ولایت، تعدّی و دست‌درازی نمود (و او را استوار و ثابت‌قدم نیافتیم)³ یعنی برای تحمّل کردن

¹ طه : 115.

² عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: (أخذ الله الميثاق على النبيين، وقال ألسن بربكم، وأن هذا محمد رسولي وأن علياً أمير المؤمنين؟ قالوا: بلى فثبتت لهم النبوة. ثم أخذ الميثاق على أولي العزم أني ربكم ومحمد رسولي وعلي أمير المؤمنين والأوصياء من بعده ولادة أمري وخزان علمي، وأن المهدي أنتصر به لديني، وأظهر به دولتي، وأنتقم به من أعدائي وأعبد به طوعاً أو كرهاً. قالوا: أقرنا - يا ربنا - وشهدنا. لم يجحد آدم (عليه السلام)، ولم يقر، فثبتت العزيمة لهؤلاء الخمسة في المهدي (عليه السلام)، ولم يكن لآدم عزيمة على الإقرار، وهو قول الله تبارك وتعالى: وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَى آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسَى وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْماً) بصائر الدرجات : ص 90 ح 2.

³ طه : 115.

ولایت آل محمد (علیه السلام)⁴ به زمین فرود آورده شد و به طواف گرد کعبه فرمان داده شد تا خداوند از سر تقصیر و کوتاهی اش بگذرد.

ثم إنَّ الله شرع الحج إلى بيته الحرام (الكعبة) ليعرض الناس على حجة الله في زمانهم ولايتهم ويعترفوا بالتقصير ويستغفروا عن تقصيرهم في حقه⁵، كما أنَّ الله أمر المسلمين أن يجعلوا الكعبة قبلة لهم دون الأمم السابقة حيث كانت القبلة بيت المقدس.

سپس خداوند به جا آوردن حج به سوی خانه اش - بیت الله الحرام (کعبه) - را تشریع نمود تا مردم به وسیله ی آن، ولایتشان را بر حجت خدا در زمان شان عرضه، و به تقصیر و کوتاهی در حق او اعتراف، و از تقصیر و کوتاهی که در حق او روا داشته اند، استغفار و طلب بخشش نمایند؛⁶ همان طور که خداوند به مسلمانان دستور داد تا کعبه را قبله ی خویش بدانند، برخلاف امت های پیشین که بیت المقدس قبله شان بوده است.

وهنا أمور:

4 از ابو جعفر (علیه السلام) روایت شده است که فرمود: (خداوند از پیامبران عهد گرفت و فرمود: آیا من پروردگار شما نیستم؟ و آیا این محمد، فرستاده ی من و علی امیر المؤمنین نیست؟ گفتند: بلی؛ پس نبوت برای آنها ثابت گردید. سپس عهد و میثاق بر اولوالعزم گرفته شد که من پروردگار شما هستم و محمد، فرستاده ی من و علی امیر المؤمنین و اوصیای پس از او والیان امر من و خزاین علم من و اینکه با مهدی دینم را پیروز می گردانم و دولت و حکومت را آشکار می سازم و با او از دشمنانم انتقام خواهم گرفت و با او عبادت خواهم شد، چه با اکراه و چه با رضایت. همه گفتند: اقرار کردیم ای پروردگار و شهادت می دهیم. آدم (علیه السلام) نه اقرار کرد و نه انکار نمود. بنابراین، عزمی برای این پنج مورد تا مهدی (علیه السلام) تثبیت گردید در حالی که آدم (علیه السلام) عزم و استواری در چنین اقرار و اعترافی نداشت؛ که این همان سخن خداوند تبارک و تعالی است که می فرماید: **(و ما پیش از این با آدم پیمان بستیم؛ ولی فراموش کرد و او را استوار و ثابت قدم نیافتیم)**. بصائر الدرجات: ص ۹۰ ح ۲.

5 عن الفضيل، عن أبي جعفر (عليه السلام)، قال: نظر إلى الناس يطوفون حول الكعبة، فقال: (هكذا كانوا يطوفون في الجاهلية، إنما أمروا أن يطوفوا بها، ثم ينفروا إلينا فيعلمونا ولايتهم ومودتهم ويعرضوا علينا نصرتهم، ثم قرأ هذه الآية: واجعل أفئدة من الناس تهوي إليهم) الكافي: ج 1 ص 392 ح 1.

6 از فضیل از ابو جعفر (علیه السلام) روایت شده است: حضرت، به مردمی که گرد کعبه طواف می کردند نگاهی انداخت و فرمود: (در جاهلیت، اینگونه طواف می کردند. آنها فرمان داده شده اند که گرد آن طواف کنند: سپس به سوی ما بیایند تا ما ولایت و دوستی آنها را بدانیم و یاری شان را بر ما عرضه بدارند) سپس این آیه را تلاوت فرمود: **(پس دل های مردمان را چنان کن که به سوی آنها متمایل گردد)**. کافی: ج ۱ ص ۳۹۲ ح ۱.

۱: الكعبة مرتبطة بالولاية ارتباطاً وثيقاً، حيث جعل الحج إليها للقاء الحجة، وعرض الولاية عليه من الناس والاستغفار عن التقصير في حقه.

۲: الكعبة قبلة الصلاة والسجود لله سبحانه وتعالى، مع أنّ السجود قبلها كان لآدم (عليه السلام) خليفة الله وحجته، بل إنّ السجود كان للنور الذي في صلبه وهو نور أمير المؤمنين علي (عليه السلام)، فالقبلة الأولى التي ولّى الملائكة وجوههم شطرها هي علي بن أبي طالب (عليه السلام)، فالقبلة الحقيقية ليست الكعبة والأحجار، إنما القبلة هي الجوهرة التي ولدتها الكعبة، وهي ولي الله وحجته التامة علي بن أبي طالب (عليه السلام)، ولهذا وضع الحجر الأسود في ركن الكعبة؛ لأنه كتاب الميثاق الذي أخذه الله على الناس بولاية علي بن أبي طالب (عليه السلام).

در این خصوص نکاتی چند وجود دارد:

۱- کعبه، ارتباط تنگاتنگی با ولایت دارد؛ چرا که حج به سوی آن، برای دیدار با حجّت و عرضه‌ی ولایت بر وی از جانب مردم و استغفار و درخواست بخشش از تقصیر و کوتاهی در حق او، قرار داده شده است.

۲- کعبه، قبله‌ی نماز و سجود برای خداوند سبحان و متعال است، با اینکه سجده پیش از آن، برای آدم -خليفة و جانشین خدا و حجّت او- بوده است؛ و حتی سجده برای نوری بوده که در صلب او بود، که همان نور امیر المؤمنین می‌باشد. بنابراین نخستین قبله‌ای که فرشتگان روی به سویش آوردند، علی بن ابی طالب (عليه السلام) می‌باشد. بنابراین قبله‌ی حقیقی، کعبه و سنگ‌ها نیست؛ بلکه آن گوهری است که کعبه به دنیایش آورد و او، همان ولیّ خدا و حجّت تام الهی، علی بن ابی طالب می‌باشد. از همین رو حجر الاسود در رکن کعبه قرار داده شده است؛ چرا که این سنگ، کتاب میثاقی است که خداوند بر ولایت علی بن ابی طالب (عليه السلام) از مردم گرفته است.

فالذي يتوجه إلى الكعبة يعترف مقهوراً بولاية علي بن أبي طالب (عليه السلام) بفعله وإن كان كافراً بها بقوله وقلبه، قال تعالى: (وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً)⁷، طوعاً من اعترف بالولاية وكرهاً من لم يعترف بالولاية.

بنابر این کسی که روی به کعبه می‌آورد، در عمل، به ناچار به ولایت علی بن ابی طالب (عليه السلام) اقرار و اعتراف می‌کند؛ حتی اگر در گفتار و در قلبش، به آن کافر باشد. حق تعالی می‌فرماید: (خواه و ناخواه برای خداوند سجده می‌کنند همه‌ی آنها که در آسمان‌ها و زمین هستند)⁸؛ از روی میل و رغبت برای کسی که به ولایت اقرار کرده، و کسی که به ولایت اقرار ندارد، از سر بی‌میلی و اجبار.

وقال تعالى: (أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ)⁹.

حق تعالی می‌فرماید: (آیا نمی‌بینی که هر کس در آسمان‌ها و هر کس که در زمین است، و آفتاب و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان و جنبندگان و بسیاری از مردم، خدا را سجده می‌کنند؟ و بر بسیاری عذاب محقق شده است، و هر که را خدا خوار سازد هیچ کرامت‌بخشی نخواهد داشت؛ زیرا خداوند هر چه بخواهد همان می‌کند)¹⁰.

فالذين يسجدون وحق عليهم العذاب هم الذين لا يعترفون بولاية علي (عليه السلام) بقولهم ولا بقلوبهم، ولكنهم مقهورون على الاعتراف بها بأفعالهم، وسجودهم إلى الصدفَةِ التي ولدت علياً (عليه السلام) وهي الكعبة، والله سبحانه وتعالى أهانهم بهذا السجود وسيكون حسرة عليهم (وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ)¹¹.

7 الرعد : 15.

8 رعد: ١٥.

9 الحج : 18.

10 حج: ١٨.

11 الحج : 18.

کسانی که سجده می‌کنند و در عین حال، عذاب بر آنها محقق گشته است، کسانی هستند که ولایت علی (علیه السلام) را نه با گفتار اعتراف می‌کنند و نه در دل‌هاشان قبول دارند؛ ولی با اعمال و کردار خود، به ناچار، مجبور به اعتراف به آن هستند، و سجده‌گزاری آنها بر حسب اتفاق، بر مکانی است که علی در آن متولد شده می‌باشد؛ یعنی همان کعبه، و خداوند سبحان و متعال با این سجده‌گزاری آنها را خوار و حقیر نموده است و این حسرتی برای آنها خواهد بود: (و هر که را خدا خوار سازد هیچ کرامت‌بخشی نخواهد داشت)¹².

وَيَبْقَى أَنَّ الْقِبْلَةَ هِيَ مَا يُتَوَجَّهُ بِهِ إِلَى اللَّهِ وَتَعْرِفُ بِهِ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى، فَالْقِبْلَةُ الْحَقِيقِيَّةُ هِيَ الْإِنْسَانُ الْكَامِلُ، فَبِهِ يَعْرِفُ اللَّهُ وَهُوَ وَجْهُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى الَّذِي وَاجَهُ بِهِ خَلْقَهُ، فَالْتَوَجُّهُ إِلَيْهِ تَوَجُّهُ إِلَى اللَّهِ. وَالْإِنْسَانُ الْكَامِلُ هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ وَالْأَوْلِيَاءِ، وَقَدْ أَخْرَجَهُ اللَّهُ مِنَ الْكَعْبَةِ لِيَقُولَ لِلنَّاسِ إِنَّ هَذَا الْإِنْسَانَ هُوَ قَبْلَتُكُمْ وَإِلَيْهِ حُجُّكُمْ، وَلِيَقُولَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى إِنِّي مَا خَلَقْتُ الْكَعْبَةَ إِلَّا لِأَجْلِ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَلِيُولَدَ فِيهَا عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَام)، فَلَوْ كَانَ لِي وَلَدٌ لَكَانَ الَّذِي وَلَدَ فِي بَيْتِي، (قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ)¹³.

آنچه باقی می‌ماند، این است که قبله، همان چیزی است که به واسطه آن به سوی خداوند روی آورده، و با آن، خداوند سبحان و متعال شناخته می‌شود. بنابراین، قبله‌ی حقیقی، انسان کامل است که با او خداوند شناخته می‌شود، و او، همان وجه‌الله سبحان و متعال است که با آن با خلش رویارو گشته است و توجّه و رو کردن به او، همان توجّه به خداوند می‌باشد، و انسان کامل، علی بن ابی طالب (علیه السلام)، سرور اوصیا و اولیا است. خداوند او را از کعبه به در آورد تا به مردم بگوید که این انسان، قبله‌ی شما است و حج شما به سوی او می‌باشد؛ و تا خداوند سبحان و متعال بگوید که من کعبه را فقط به خاطر علی (علیه السلام) و اینکه علی (علیه السلام) در آن متولد شود آفریده‌ام، و اگر مرا

¹² حج: ۱۸.

¹³ الزخرف: 81.

فرزندی می‌بود، همانی بود که در خانه‌ام به دنیا آمده است: (بگو: اگر خدای رحمان را فرزندی می‌بود، من از نخستین پرستندگان می‌بودم)¹⁴.

فَمَنْ الْأُولَى أَنْ يَتَّخِذَ قَبْلَهُ؛ الْأَحْجَارَ، أَمْ الَّذِي قَدَّسَ الْأَحْجَارَ بُولَادَتِهِ فِيهَا؟

حال چه چیز سزاوارتر است که به عنوان قبله برگرفته شود؟ سنگ‌ها؟! یا آن کسی که سنگ‌ها را با ولادت خویش در آن، قداس بخشیده است؟

قال عيسى (عليه السلام) ما. معناه: (أنتم علماء السوء تقولون من. حلف بالهيكل لا يلتزم بيمينه ولكن من حلف بذهب الهيكل يلتزم بيمينه، فأیما أعظم أيها الجهال العميان؛ الذهب أم الهيكل الذي قدس الذهب)¹⁵.

عیسی (علیه السلام) سخنی به این معنا می‌فرماید: (شما ای علمای بی‌عمل! می‌گویید: آن که به هیكل سوگند یاد کند، بر سوگندش استوار نمی‌ماند ولی کسی که به طلای هیكل قسم بخورد، بر سوگندش پایبند می‌ماند. ای کوردلان، کدام یک بزرگ‌تر است؟ طلا یا هیکلی که به طلا قداس بخشیده است؟)¹⁶.



¹⁴ زخرف: ۱۸.

¹⁵ الكتاب المقدس / العهد الجديد - الكنيسة : ص 42، وفيه: (16 ويل لكم أيها القادة العميان القائلون من حلف بالهيكل فليس بشئ. ولكن من حلف بذهب الهيكل يلتزم . 17 أيها الجهال والعميان أيما أعظم الذهب أم الهيكل الذي يقدس الذهب ...) .

¹⁶ كتاب مقدس: عهد جديد - كنيسة: ص 42. و همچنین در آن: (1 وای بر شما ای پیشوایان کوردل که می‌گویید: کسی که به هیكل سوگند یاد کند، کاری صورت نداده است ولی آن که به طلای هیكل قسم بخورد، پایبند می‌ماند 17 ای نادانان و ای کوردلان! کدام یک بزرگ‌تر است؟ طلا؟! یا هیکلی که به طلا قداس بخشیده است؟....).